



omidnamchi

■ شاید وجه همبستگی «شعر» و «خرد» با روح زندگی مردمان از آنجا باشد که «شاعر» و «حکیم» شرط انسان بودن و راه سکونت در خانه حقیقت و دوستی را می‌جویند و با رسم کین‌توزی و بیداد بیگانه‌اند.

■ در قیاس میان «شعر» و «فلسفه» به آینده شعر بیشتر می‌توان امیدوار بود، گرچه چراغ شعر هم در زمان ما کم فروغ شده است.

■ شعر چون به «زبان» نشاط می‌بخشد و خرد هم در «زبان» تحقق می‌یابد مایه قوت خرد می‌شود هر چند که خرد رسمی، شعر را دوست نمی‌دارد.

■ ما به شعر و فلسفه نیاز داریم، ولی باید بدانیم که به صرف آموختن آنها گشایش در کار ایجاد نمی‌شود؛ یعنی از شعر و فلسفه توقع و تمنای کارسازی و مددکاری نباید داشت، زیرا شأن‌شان از مددکاری بالاتر است.

■ با تفکر اعم از «شعر» (هنر) و «حکمت» و «فلسفه» راهی گشوده و آغاز می‌شود که ممکن است به بنیاد کردن نظمی دیگر یا تحکیم و تضعیف نظم موجود منتهی شود.

■ شعر «یافت» است و برای مصلحت و سود و زبان این یا آن گروه به زبان نمی‌آید و در خدمت هیچ چیز و هیچ کس قرار نمی‌گیرد، البته شاعر می‌تواند اهل سیاست باشد اما چون «تعهد سیاسی» با «عهد شاعری اش» نمی‌سازد زندگی بر او دشوار می‌شود.

می‌شود هر چند که خرد رسمی، شعر را دوست نمی‌دارد.

■ از دیدگاه یک فیلسوف، حال و روز شعر و شاعری در جامعه امروز ما را چگونه توصیف می‌کنید؟

شعر و شاعری همیشه هست اما به یک حال نیست. اکنون در هیچ جا شعر و شاعری حال و روز خوش ندارد، چنانکه حال و روز مردمان هم خوش نیست. نمی‌دانم این همبستگی میان حال و روز شاعر با حال و روز مردمان از کجاست. فیلسوف باید به این «کجا» بیندیشد. به نظر نمی‌رسد که این همبستگی اتفاقی باشد.

«شعر» و «خرد» و «وجود روح امید در زندگی» معمولا همراه و هم‌عنان اند؛ شاید وجه همبستگی شعر و خرد با روح زندگی مردمان از آنجا باشد که شاعر و حکیم شرط انسان بودن و راه سکونت در خانه حقیقت و دوستی را می‌جویند و با رسم کین‌توزی و بیداد بیگانه‌اند و آن را زشت می‌شمارند.

اروایی جدید می‌توان دید. مهم نیست که «شاعران» و «خردمندان» اعم از اهل حکمت و فلسفه و تدبیر چه رابطی با هم دارند. مهم این است که میان‌شان پیوند و نسبتی درنیافتنی وجود دارد و همه، مظاهر زمان خویش‌اند، هر چند که در ظاهر ممکن است با هم اختلاف‌فا داشته باشند. این اختلاف را می‌توان نظیر اختلاف خانوادگی دانست.

در مورد تأثیر ظاهر یکی بر دیگری آنچه می‌توان گفت این است که شعر چون به «زبان» نشاط می‌بخشد و خرد هم در «زبان» تحقق می‌یابد مایه قوت خرد

■ شعر و «خرد» در چه نسبت و رابطه‌ای با هم قرار می‌گیرند؟

«خرد» صورت‌های متفاوت دارد و بویژه خرد زمان جدید را با خرد زمان‌های دیگر نباید یکی دانست. میان «شعر» و «خرد» ارتباط منطقی نمی‌تواند وجود داشته باشد، زیرا در این صورت «منطق» قبل از «شعر» قرار می‌گیرد و شعر باید تابع منطق و خرد زمان باشد، اما به هر حال میان شعر و خرد تناسبی وجود دارد، چنانکه شعر و خرد و علم و تدبیر اگر نه همیشه غالبا با هم بوده‌اند. این همراهی و با هم بودن را در تاریخ یونان و ایران و

بنی خردی» چگونه مواجهه‌ای می‌تواند داشته باشند؟

شاعر هیچ مسئولیتی ندارد. چه خوب است که بتوانیم این سودا را از خاطر خود بزداییم که شاعر را مسئول زشتکاری‌های ستمگران و تب‌هکاران غالب بر جهان بدانیم، اگر جهان پر آشوب و زشت شده است مسئولش شاعران و فیلسوفان نیستند؛ شاید در ادبیات که بیشتر مرجع روشنفکران است بتوان سخن از «تعهد» گفت ولی شاعر آزاد است و اگر متعهد شود دیگر شاعر نیست.

البته شاعر می‌تواند اهل سیاست باشد، اما چون «تعهد سیاسی» با «عهد شاعری اش» نمی‌سازد زندگی بر او دشوار می‌شود؛ چنانکه مثلا برای مایاکوفسکی، شاعر روس که طرفدار انقلاب اکتر بود، این دشواری پیش آمد. شعر «یافت» است و برای مصلحت و سود و زبان این یا آن گروه به زبان نمی‌آید و در خدمت هیچ چیز و هیچ کس قرار نمی‌گیرد.

تمنای کارسازی و مددکاری نباید داشت، زیرا شأن‌شان از مددکاری بالاتر است.

با تفکر اعم از «شعر» (هنر) و «حکمت» و «فلسفه» راهی گشوده و آغاز می‌شود که ممکن است به بنیاد کردن نظمی دیگر یا تحکیم و تضعیف نظم موجود منتهی شود. شاعران قرون شانزدهم و هفدهم و هجدهم اروپا هر چند که از دشواری‌های راه و خطرهای پایان آن غافل نبوده‌اند در استوار کردن جهان جدید سهیم بوده‌اند.

به آینده شعر بیشتر می‌توان امیدوار بود گرچه چراغ شعر هم در زمان ما کم فروغ شده است.

■ به قول شما «ادعای خردمندی شاید اکنون از همیشه بیشتر باشد اما «مدعیان خرد» سخنان آرزویی و سودایی می‌گویند اما رفتار و گفتار بی‌خردی دنیای ما را فرا گرفته است». آیا در چنین زمانه‌ای برای شاعر مسئولیت اجتماعی‌ای قابل هستی؟ شاعران با «مدعیان خرد» و «روزگار

■ جناب دکتر دآوری، شما در یکی از گفتارهایتان، هر شاعر حقیقی را «لسان‌الغیب» توصیف کرده‌اید و تأکید داشته‌اید «در زبان شاعر، گاهی چیزی ظاهر می‌شود که «محیط» بر وقایع است و وقایع به نحوی با آن «نعین» پیدا می‌کند». حال می‌خواهیم از شما بشنویم بین «شعر» و «حقیقت» چه نسبتی بر قرار است که شما چنین نگرشی به شاعران دارید؟

متقدمان «شعر» را کلام موزون و مخیل دانسته‌اند، البته هر سخن موزون و مخیل شعر نیست و چه بسیار سخن‌ها که نام شعر دارد اما شبه شعر است. من این شبه شعرها را زبان غیب ندانستم، شاعری که زبان غیب باشد اندک است. شاعران بزرگ هم هر چه گفته‌اند سخن غیب نیست.

اما در مورد نسبت میان «حقیقت» و «شعر» بسته به این است که از «حقیقت» چه مراد کرده باشید، اگر حقایق علمی و ادبی و احکام مطابق با واقع را در نظر دارید، شعر با آن نسبتی ندارد یا اگر داشته

باشد نسبتی عرضی است، مثلا ابونصر فراهی و ابن‌مالک و حاجی ملا هادی سبزواری کتاب‌های درسی مقدماتی و عالی را به نظم آورده‌اند و بزرگانی مثل شیخ محمود شبستری مطالب عرفانی را منظوم کرده‌اند ...

در سخنی که از من نقل کرده‌اید «حقیقت» به معنی ظهور و جلوه هستی تاریخی در زبان است که شعر هم با آن پدید می‌آید. این نسبت بیان کردنی نیست؛ آرمودنی و دریافتنی است.

■ جایی از شما خواندم که «هنر بیش از فلسفه می‌تواند به بشر امروز کمک کند». با توجه به اینکه شما «شعر» را هنر ممتاز می‌شمارید، می‌خواهیم بدانیم چرا چنین شانی برای شعر و هنر قائل هستید؟

لفظ «کمک» در این قبیل مباحث باید مسامحه باشد. ما به شعر و فلسفه نیاز داریم، ولی باید بدانیم که به صرف آموختن آنها گشایش در کار ایجاد نمی‌شود؛ یعنی از شعر و فلسفه توقع و



دکتر رضا ماجوری  
استاد فلسفه  
و هیات علمی  
مؤسسه مطالعات  
فرهنگی و اجتماعی

اهتمام به این مقوله را برای کشورهای حاشیه‌ای و برای ما که از علوم و فنون پیشرفته معمولا از نیم قدمی تا بیست قدمی عقب‌تریم ده سال جلوانداخت.

اما هوش مصنوعی با دانشگاه‌های جهان و با دانشگاه‌های ما چه خواهد کرد؟ درست است که بزرگترین مرکز توسعه دانش و فناوری در عرصه هوش مصنوعی خود دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی هستند اما دانشگاه‌ها در ساختار و عمل خود نیز از این پدیده جدید و نوآوری خیره‌کننده متأثر خواهند بود.

بطور کلی می‌توان تأثیر هوش مصنوعی بر آینده دانشگاه‌ها را در پنج ساحت شناسایی کرد:

۱. **یادگیری شخصی:** هوش مصنوعی قالب‌های کلاسیک آموزش همگانی را به هم می‌زند و براساس شخصیت و نیازها و توانایی‌های تشخیص داده شده هر فرد، آموزشی ویژه وی عرضه می‌کند. این اتفاق به‌طور جدی مرگ کلاس‌های درس انبوه و یک‌فرم و یکسان پیشین را محقق خواهد ساخت. به این معنا، آموزش‌های ارائه شده در دانشگاه‌های آینده تحت تأثیر هوش مصنوعی، آموزشی‌هایی بشدت متکثر و متنوع و مبتنی بر واقعیت وجودی انسان‌ها خواهد بود و نه براساس نظریه‌های یادگیری کلاسیک پیشین یا ایده‌های سنتی و مدرن قبلی که بر روایت‌های کلان مبتنا دارند. بنابراین ایده «یک-مدل-برای-همه» جای خود را به «هر-نفر-یک-مدل» خواهد داد.

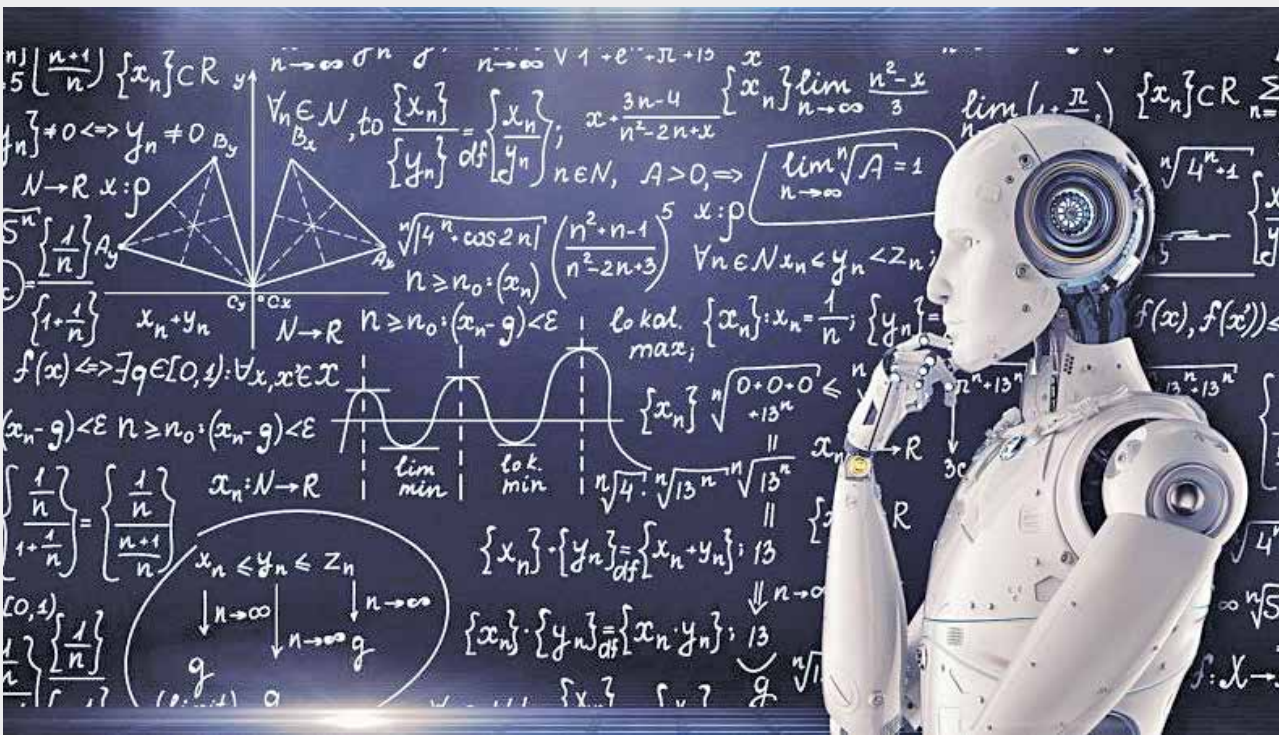
۲. **گذر از کلاس درس:** هوش مصنوعی، دانشجویان مراکز آموزش عالی را قادر خواهد ساخت هر کجا، هر وقت و هر آنچه بخواهند را یاد بگیرند و مطالعه کنند. وجود ساختمان‌های هوشمند، تیلت‌های هوشمند دایره‌ای سرتاسری در کلاس‌های درس، تابلوهای آموزش هوشمند و فوق هوشمند و غیره، دانشجویان را قادر می‌سازد به نحو گسترده در زمان‌ها و مکان‌های متعدد ارتباط آکادمیک چهره به چهره آنلاین برقرار کنند.

حدود ده ماه از ورود کرونا به ایران می‌گذرد و تحت تأثیر کرونا در حوزه «آموزش» در ایران اتفاقی در جریان است. از اسفند گذشته که مدارس و دانشگاه تعطیل شد و بعد از تعطیلات عید به‌صورت مجازی و نیم‌بند با وضعیتی دست‌وپا شکسته گشوده شد، می‌شد حدس زد امیدها برای بازگشت به سبک آموزشی قدیم بی‌مورد است و خواه کرونا بماند- که طبق شواهد می‌ماند- و خواه نماند، از این به بعد، آموزش دیجیتال بخش اکثریت پذیر مراکز آموزشی و آکادمیک ما خواهد بود. این حدس نه بر پایه صدفه و اتفاق، که بر رویه تغییرات دیجیتال جوامع صنعتی و پیشرفته و برنامه‌های ده ساله و بیست ساله آنها مبتنی است. اتفاقی که افتاده، تبدیل این موضوع قیلا فرعی و حاشیه‌ای برای مدیران ما به موضوعی اصلی و در مرکز ماجرا است. کرونا با استفاده از هنر اجبار، این جابه‌جایی و توجه را میسر ساخت و وزارت ارتباطات را بیش از قبل به متن توجهات سیاستگذارانه برای آینده ایران قرار داد؛ آینده‌ای براساس هوش مصنوعی و ورود به انقلاب صنعتی چهارم.

در این سالی که گذشت، بسیاری از کشورها و دانشگاه‌های معتبر جهان میوه نهال‌هایی که در عرصه «هوش مصنوعی» و «اینترنت اشیا» کاشته بودند، برداشت کردند و گونه‌هایی بدیل و پیشرفته از دانشگاه‌ها و آموزش عالی مبتنی بر هوش مصنوعی (AI) را به اجرا درآورده‌اند. این موضوعی است که طبق پیش‌بینی‌های انجام شده تا سال ۲۰۳۰ تقریبا تمام آموزش عالی دنیا خواسته یا ناخواسته بدان تن خواهند داد. کرونا

هوش مصنوعی با دانشگاه‌های جهان و دانشگاه‌های ما چه خواهد کرد؟

## باد ما را خواهد برد



imagebank

هوش مصنوعی قالب‌های کلاسیک آموزش همگانی را به هم می‌زند و براساس شخصیت و نیازها و توانایی‌های تشخیص داده شده هر فرد، آموزشی ویژه وی عرضه می‌کند. این اتفاق به‌طور جدی مرگ کلاس‌های درس انبوه و یک‌فرم و یکسان پیشین را محقق خواهد ساخت. به این معنا، آموزش‌های ارائه شده در دانشگاه‌های آینده تحت تأثیر هوش مصنوعی، آموزشی‌هایی بشدت متکثر و متنوع و مبتنی بر واقعیت وجودی انسان‌ها خواهد بود و نه براساس نظریه‌های یادگیری کلاسیک پیشین یا ایده‌های سنتی و مدرن قبلی که بر روایت‌های کلان مبتنا دارند. بنابراین ایده «یک-مدل-برای-همه» جای خود را به «هر-نفر-یک-مدل» خواهد داد

به‌طور کلی آینده آموزش عالی کشورها در ده سال آینده، آینده‌ای متکثر، هوشمند، فردگرا، مطابق با استانداردهای زیستی و در یک کلام استانداردتر خواهد بود. کرونا که باید از کثر عواقب شوم آن گلابه‌ها سر داد و سخن‌ها گفت، لاقلا ما را به‌طور جدی با تحولاتی که ده سالی است در دنیا رخ داده و در چشم‌اندازی نزدیک تمام شئون اقتصادی و خدماتی و اداری و اجتماعی و سیاسی و آموزشی ما را در بر خواهد گرفت، روبه‌رو کرده است تا مبادا در شرایطی که سیل خانه و کاشانه‌هایمان را به ویرانی تهدید می‌کند، مهیوت در اندیشه نقش ایوان بمانیم و ندانیم چه بر سر ما می‌رود.

سرویس‌ها است. در این دانشگاه با بهره‌گیری از ۹۰ سرور و شش میلیون قاعده متکثر، هوشمند، فردگرا، مطابق با استانداردهای زیستی و در یک کلام استانداردتر خواهد بود. کرونا که باید از کثر عواقب شوم آن گلابه‌ها سر داد و سخن‌ها گفت، لاقلا ما را به‌طور جدی با تحولاتی که ده سالی است در دنیا رخ داده و در چشم‌اندازی نزدیک تمام شئون اقتصادی و خدماتی و اداری و اجتماعی و سیاسی و آموزشی ما را در بر خواهد گرفت، روبه‌رو کرده است تا مبادا در شرایطی که سیل خانه و کاشانه‌هایمان را به ویرانی تهدید می‌کند، مهیوت در اندیشه نقش ایوان بمانیم و ندانیم چه بر سر ما می‌رود.

مشخص برگزار می‌شوند، نوآوران را توانا می‌سازد تا در طرح‌های پیشنهادی خود بهترین گزینه را انتخاب کنند. این کمپس (مجموعه) به هم پیوسته بخش‌های آموزشی و پژوهشی و تولیدی، به دانشگاه این اجازه را می‌دهد تا خیلی بهتر از گذشته میان بخش‌های خود زمینه ارتباط را فراهم سازد.

۴. **خدمات به مشتریان:** هوش مصنوعی به دانشگاه‌ها کمک می‌کند تا فرایند دریافت سفارشات و تحویل خدمات به مشتریان بیرون دانشگاه‌ها را کوتاه، همدند و تقویت کند. پاسخ روشن و سریع به پرسش‌های مخاطبان آنگونه که مثلا در دانشگاه دیکن (Deakin) استرالیا انجام می‌گیرد یکی از جلوه‌های این

۳. **تولد مجتمع‌های (کمپس‌های) دانشگاهی هوشمند:** اینترنت اشیا در دانشگاه‌های آینده این امکان را فراهم می‌آورد تا فرایند کار و یادگیری معطوف به مهارت و کار، حرفه‌ای‌تر و هوشمندتر شود. اینجا هوش مصنوعی و نرم‌افزارهای اینترنتی است که به ما می‌گویند بهترین راه و ایده و طرح کدام است. همین نرم‌افزارها تجربیات مهارتی و کاری فوق‌الذکر را به کلاس‌های هوشمند دانشجویی نیز منتقل کرده و آنها را در جریان فرایند تولید دانش و فناوری قرار می‌دهد. بنابراین مانیتور کردن اتفاقات عرصه فناوری در کلاس‌های آموزشی و استفاده از ایده‌های عرضه شده در کلاس‌های درسی که فراتر از مکان و زمانی